

دکتر فردوس آقا گل زاده (دانشیار زبانشناسی دانشگاه تربیت مدرس)

دکتر عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا (استادیار زبانشناسی دانشگاه تربیت مدرس)

افتخار سادات هاشمی (کارشناس ارشد زبانشناسی دانشگاه تربیت مدرس)

## شناسایی و توصیف گفتارهای قالبی شده زبان فارسی بر پایه نقش

### عوامل جامعه شناختی زبان

#### چکیده

زبان قالبی شده<sup>۱</sup> اصطلاحی است که در بعضی از مطالعات توصیفی و نظری دستور، در مورد پاره گفت‌هایی<sup>۲</sup> به کار می‌رود که در داشتن ویژگی‌های معمول نحوی و صرفی با دیگر ساخت‌های زبانی متفاوت‌اند و آنگاه که به کلام<sup>۳</sup> اعمال می‌شود استفاده از صورتی ثابت از کلمات را به ذهن متبادر می‌کند که برای بر آوردن مقصودی رایج به کار گرفته می‌شود. روش تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و روش گرد آوری داده‌ها به صورت میدانی است. در این پژوهش، صد گفتار قالبی شده که بسامد کاربردی بالایی در گفتگوی روزانه فارسی‌زبانان دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. دو پرسشنامه که هر یک حاوی پنجاه ساخت قالبی و پرسش‌هایی در مورد استفاده و یا عدم استفاده از ساخت‌ها بود در میان دویست نفر فارسی‌زبان که در سه گروه آزمودنی با مشخصه‌های جامعه‌شناسی زبان از قبیل سن، جنس و میزان تحصیلات قرار داشتند، توزیع شد. با شناسایی و توصیف ساخت‌های قالبی شده مشخص شده که پاره گفت‌های قالبی شده در نوع و قالب ضرب‌المثل، اصطلاح و عبارات مقدماتی در زبان فارسی ظاهر می‌شوند. با تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها در می‌یابیم اختلاف آشکار و چشمگیری میان میزان فراوانی کاربرد برخی از ساخت‌های قالبی شده مورد بررسی در بین گروه‌های سنی، جنسی و تحصیلی مشاهده می‌شود و در مورد برخی دیگر اختلاف، قابل توجه نیست.

کلیدواژه‌ها: گفتارهای قالبی شده، ضرب‌المثل، اصطلاح، عبارت مقدماتی، جامعه‌شناسی.

1. Formulaic language
2. Utterances
3. discourse

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۸/۲۳ پذیرفته: ۱۳۸۹/۳/۱۷

پست الکترونیکی: nicepride1980@hotmail.com ferdows@yaho.com akord@modares.ac.ir

## ۱- مقدمه

گفتار قالبی شده ساخت‌های فسیل شده‌ای است که غالباً در شرایط خاص و محدود اجتماعی به کار می‌روند (کریستال، ۲۰۰۳: ۱۸۷). شناخت صریح این گونه ساخت‌ها و سپس کاربرد مناسب آنها در ارتباط با بافت و موقعیت ارتباطی تأثیر بسزایی در برقراری ارتباط موفق دارد. فراگیران زبان دوم برای یادگیری این گونه ساخت‌ها با دو مشکل مواجه‌اند: نخست، شناخت صحیح. سریع این گونه ساخت‌ها و سپس کاربرد مناسب آنها در ارتباط با بافت و موقعیت ارتباطی آنهاست؛ چرا که این دسته از ساخت‌های زبانی عموماً در زبان گفتار (در ارتباط کلامی) کاربرد بیشتری دارند، همین امر سبب بروز اختلالاتی در برقراری ارتباط برای فراگیران زبان دوم می‌شود. دیگر آنکه حتی آشنایی با این دسته ساخت‌های زبانی، تضمینی برای کاربرد صحیح و مناسب آنها نیست، چرا که فاکتورهای دیگری، مانند عوامل جامعه‌شناسی زبان و یا شاخص‌های تحلیل گفتمان در انتخاب مناسب و کاربرد به جای آنها نیز موثر هستند. زبان فارسی نیز مانند سایر زبان‌ها دارای این دسته از ساخت‌های قالبی شده است لذا شناخت و کاربرد مناسب آنها برای فراگیران غیر فارسی زبان از ضرورت و اهمیت بسیاری برخوردار است. این تحقیق به دنبال پاسخی برای پرسش‌های زیر است:

۱- انواع پاره گفت‌های قالبی شده کدامند؟

۲- عوامل یا متغیرهای تعیین‌کننده بر کاربرد آنها کدامند؟

فرضیه‌های تحقیق نیز عبارتند از:

۱- این پاره گفت‌ها در نوع یا قالب ضرب‌المثل، اصطلاح و عبارات مقدماتی در زبان فارسی ظاهر می‌شوند.

۲- عوامل جامعه‌شناسی زبان از قبیل سن، جنسیت و میزان تحصیلات از عوامل موثر در گزینش و کاربرد ساخت‌های قالبی شده در فارسی هستند.

## ۲- سابقه و ضرورت تحقیق

در زمینه گفتارهای قالبی شده در زبان فارسی تنها چند مقاله و یک فرهنگ کنایات به این حوزه پرداخته اند و فقط دو مقاله این پدیده را با عنوان زبان شناختی گفتار قالبی شده بررسی کرده اند. یکی مقاله ورتینکوف، با عنوان «برخی ساخت‌های نحوی قالبی شده در زبان فارسی» که تنها به بررسی تعداد بسیار محدودی از ساخت‌های قالبی شده و فقط از دیدگاه نحو پرداخته است. دیگری مقاله باغینی پور (۱۳۷۹)، با عنوان «گفتار قالبی و کاربرد خلاقانه آن» این مقاله بیشتر بر مباحث نظری و تعاریف ساخت‌های قالبی و سخن، سخن کاوی و سخن نماها تمرکز کرده است. سایر فرهنگ‌های لغات در میان سایر مداخل وژگانی نمونه‌هایی از ساخت‌های قالبی نیز آورده شده است. همین امر ضرورت شناسایی و تعریف گفتارهای قالبی زبان فارسی و همچنین بررسی تاثیر عوامل اجتماعی بر کاربرد آنها را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

## ۳- روش گردآوری داده‌ها و انجام تحقیق

روش تحقیق از نوع اسنادی و توصیفی است و جهت جمع‌آوری داده‌ها از شیوه میدانی و کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. بخش کتابخانه‌ای آن اختصاص به بررسی آثار مرتبط انجام شده دارد و بخش میدانی آن با تهیه دو نوع پرسشنامه حاوی ساخت‌های قالبی شده در فارسی انجام خواهد شد. ابتدا یک گروه ۳۲ نفره متشکل از شانزده نفر زن و شانزده نفر مرد بین سنین ۳۵-۲۰ و ۵۰-۳۵ با تحصیلات زیر دیپلم، دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و بالاتر انتخاب شدند و پس از توضیح مفهوم گفتار قالبی شده و ضرورت انجام تحقیق برای هر یک، از آنها خواسته شد تا ظرف مدت پانزده روز، بیست گفتار قالبی شده را که در گفتار و تعاملات روزانه خود از آنها استفاده می‌کنند بر روی فرم‌هایی که قبلاً تهیه شده و در اختیار آنها قرار گرفته بود ثبت کنند. هر یک از این فرم‌ها دارای سه ستون (گفتار قالبی شده، موقعیت کاربردی متداول، موقعیت کاربردی جدید) و بیست ردیف بود. پس از پایان فرصت داده شده نزدیک به پانصد گفتار قالبی شده در زبان فارسی جمع‌آوری شد که پس از بررسی داده‌ها، با حذف ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات رایج در میان صنوف خاص اجتماعی که دارای کاربرد بالا

میان مردم در مکالمات روزمره نبودند و همچنین بعضی از اصطلاحات قالبی شده تکراری، مجموعاً ۲۵۰ عبارت قالبی شده انتخاب شدند. سپس از این میان صد ساخت قالبی شده که نسبت به سایرین بیشترین بسامد را داشته اند، انتخاب شدند و در دو پرسشنامه که هر پرسشنامه شامل هفت ستون که شامل سوالات بودند و هر ستون خود شامل سه یا چهار زیر ستون که پاسخهای احتمالی هر سوال را در برداشت، و پنجاه ردیف که در هر کدام یک ساخت قالبی شده ثبت شده بود، تهیه و تنظیم شد. علت تنظیم دو پرسشنامه پرهیز از عوامل خستگی و کم حوصلگی پرسش شونده‌گان بود. در مرحله بعد پرسشنامه‌ها میان ۲۰۰ نفر - ۱۰۰ نفر زن و ۱۰۰ نفر مرد با دو محدوده سنی ۳۵-۲۰ و ۵۰-۳۵ با تحصیلات زیر دیپلم، دیپلم و کارشناسی، کارشناسی ارشد و بالا تر در میان فارسی‌زبانانی که به زبان معیار فارسی سخن می‌گویند، توزیع شد. لازم به ذکر است که توزیع پرسشنامه‌ها با هر یک از شاخصه‌های ذکر شده در بالا به طور کاملاً مساوی ۲۵ نفر - یعنی هشت گروه بیست پنج نفره - انجام شده است. در مرحله آخر با کمک یک مشاور آماری داده‌های پرسشنامه‌ها به شیوه آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل شد و نمودارهای نتایج به دست آمده ترسیم گردید که در پایان مقاله آمده است. سایر اطلاعات و تحلیل‌های ارائه شده در زمینه شناسایی و بررسی عوامل اجتماعی موثر در کاربرد ساخت‌های قالبی شده به شیوه کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی حاصل شده است.

#### ۴- تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌های جمع‌آوری شده از زبان فارسی در حوزه گفتار قالبی مورد بررسی، و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت که شامل دو زیربخش می‌باشد که هر یک به بررسی و آزمون یکی از فرضیه‌ها و پاسخ به سوالات تحقیق می‌پردازد. به منظور رعایت حجم مقاله و پرهیز از تکرار و ارائه تحلیل‌های بیشتر از آوردن فهرست صد ساخت قالبی فارسی مورد

بررسی صرف نظر می‌کنیم و خوانندگان گرامی را برای آگاهی از محتویات این فهرست به نمودارهای موجود در این مقاله ارجاع می‌دهیم.<sup>۱</sup>

#### ۱-۴: انواع پاره گفت های قالبی شده

"انواع پاره گفت های قالبی شده کدامند؟" نخستین سوال این تحقیق است که در پاسخ به آن فرضیه زیر مطرح شده است: "این پاره گفت ها در نوع یا قالب ضرب المثل، اصطلاح و عبارات مقدماتی در زبان فارسی ظاهر می‌شوند." در تأیید یا رد این فرضیه نخست می‌بایست تعاریف «ضرب المثل» «اصطلاح» و «عبارت مقدماتی» را در فرهنگ های معتبر فارسی و انگلیسی جستجو کرد.

با توجه به تعاریفی که از "ضرب المثل"، اصطلاح" و عبارت مقدماتی در فرهنگ لغات فارسی دهخدا و معین و فرهنگ های انگلیسی وبستر (۲۰۰۳)، آکسفورد (۲۰۰۶) و فرهنگ آواشناسی و زبان شناسی کریستال (۲۰۰۳) برای (ضرب المثل) و (اصطلاح)، ارائه شد، می‌توان چنین جمع بندی کرد که «ضرب المثل» جمله یا عبارتی معروف و شناخته شده است که حاوی پند و پیام اخلاقی است و دارای پیشینه تاریخی است. مانند ضرب المثل های فارسی چون؛ "قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود". "بار کج به منزل نمی‌رسد" و "حسنی به مکتب نمی‌رفت وقتی می‌رفت جمعه می‌رفت" ... «اصطلاح»، یک گروه از واژگان که دارای دستور، ساخت و ترتیب واژه خاصی است و معنای گروه از معنای تک تک واژگان آن قابل دریافت نمی‌باشد. مانند: "از خجالت آب شدن"؛ "دمت گرم" "دست شما درد نکنه" و...

«عبارت مقدماتی / سخن گشایی» معادل واژه (Phatic) در نظر گرفته شده است. چراکه به نوعی هم از جنس تعارفات روزمره هستند و هم در مواردی برای آغاز سخن و ارتباط در موقعیت های مختلف میان افراد بکار برده می‌شوند. مانند: "چه خبر؟!"; "چقدر گرمه!"; "چقدر

۱- برای آگاهی از معنای متداول و جدید هریک از این ساخت های مورد بررسی می‌توانید به "بررسی ساخت گفتارهای قالبی شده زبان فارسی در چهارچوب نقش گرابی هلیدی" پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۸۸) مراجعه کنید.

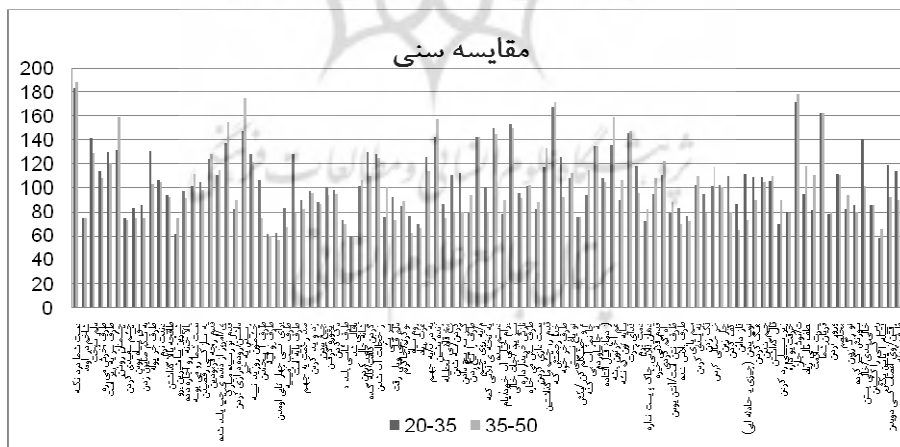
شلوغه" و... در نتیجه این گونه پاره گفت‌ها در زمره ضرب المثل و اصطلاح نیستند به همین خاطر در این تحقیق از عبارت عام تر "عبارات مقدماتی" بهره گرفته شده است. هرچند می‌توان به صراحت اذعان کرد که مرز واضح و مشخصی میان عبارات مقدماتی و اصطلاح وجود ندارد زیرا در بسیاری از موارد این دو با یکدیگر همپوشی دارند.

با تمام تعاریف و توضیحاتی که در بالا ذکر شد می‌توان گفت که پاره گفت‌های قالبی شده از نوع ضرب‌المثل، اصطلاح و عبارت مقدماتی هستند، زیرا ضرب المثل، اصطلاح و عبارت مقدماتی همه دارای ساخت دستوری منضبط و ثابتی هستند، گرچه در بعضی از این قبیل ساخت‌ها ضمائر شخصی مناسب با مخاطب قابل تغییر است. از همین رو آن‌ها را ساخت‌های قالبی شده می‌نامند.

#### ۴-۲ تأثیر عوامل جامعه‌شناسی زبان: سن، جنس و تحصیلات در کاربرد ساخت‌های قالبی شده

##### ۴-۲-۱ سن

نخستین عامل مؤثر بر گزینش ساخت‌های قالبی مطرح شده در این تحقیق، عامل سن است. بدین منظور پرسش شونده‌ها به دو گروه سنی بیست تا سی و پنج سال و سی و پنج تا پنجاه سال تقسیم شدند.



نمودار (۴-۱) مقایسه کاربرد ساخت‌های قالبی شده بر اساس سن پرسش‌شوندگان

با بررسی و تحلیل پاسخ های داده شده به سؤالات پرسش نامه ها تفاوت و اختلاف بارزی میان میزان کاربرد این دو گروه سنی مشاهده نشد، اما برخی از ساخت های قالبی شده متاثر از این عامل جامعه شناختی می باشند مانند پنج ساخت قالبی شده «طرف پایه است»، «چیزی یا حادثه ای توپ بودن»، «خالی بستن»، «طرف خر خونه»، «گیر سه پیچ دادن» همان طور که در نمودار (۱-۴) مشاهده می شود اختلاف کاربرد از ۴۹ تا ۴۰ امتیاز بین دو گروه سنی وجود دارد که این میزان اختلاف بیشترین نوسان را در نمودار نشان می دهد. برخی از آن ها در میان گروه سنی جوان تر کاربرد بیشتری دارد و برخی دیگر در میان گروه سنی دوم.

«طرف پایه است» ساخت قالبی شده ای است که بیشترین اختلاف امتیاز را در دو گروه سنی دارد و بیشترین کاربرد را در میان افراد بیست تا سی و پنج سال دارد. پایه بودن استعاره از ستون و رکن اصلی برای هرکار یا حالتی است، درست همانگونه که پایه هر چیز مانند «میز» رکن اصلی برای سطح فلزی یا چوبی است. عبارت «توپ بودن» که از لحاظ معنایی ترجمه ای لفظ به لفظ از اصطلاح انگلیسی *Be at the top of the list*، به معنی «اول همه بودن، در صدر بودن» می باشد که واژه *top* به جای تلفظ بومی آن به صورت */tɒp/* (تاپ) می باشد به صورت خوانشی بر اساس املا کلمه برای فارسی زبانان به صورت */tup/* در زبان فارسی در آمده است. عبارت «خالی بستن» که به معنای «دروغ گفتن و استفاده از بستن و منعقد کردن کلام بدون محتوا و صحت است» در فرهنگ کنایات سخن (انوری، ۸۲: ۴۸۰) نیز آمده است. در حالیکه در سایر فرهنگ ها و مجموعه عبارات و اصطلاحات عامیانه مانند فرهنگ لغات عامیانه جمال زاده (۱۳۴۱)، فرهنگ فارسی عامیانه نجفی (۱۳۷۸) و فرهنگ جامع ضرب المثل های فارسی بهمن دهگان (۱۲۸۳) به آن اشاره ای نشده است و همین امر دلیلی بر جدید بودن این عبارات و به طبع استفاده زیاد آن در گروه سنی جوان تر یعنی بیست تا سی و پنج سال را به همراه دارد.

واژه «خر» در فرهنگ فارسی دهخدا به معنی «حیوانی است که آن را به عربی حمار اهلی گویند» و در فرهنگ معین این واژه که در عبارات قالبی شده بسیاری مانند «خر خون»، «خر حمالی»، «خر پول»، «خرش میره» و... به کار رفته است. در حقیقت برای برقراری اصل همکاری در گفتگو از تضمن مکالمه ای<sup>۱</sup> - معنی اضافی اما بیان نشده ای که بایستی مفروض گردد (توانگر، ۱۳۸۱: ۵۸) - استفاده شده است و به این معنی که واژه «خر» نه تنها دارای معنای «بسیار و زیاد» است بلکه بار معنایی منفی واژه «خر» به معنای «نادانی و حماقت» را نیز تداعی می‌کند. عبارت قالبی شده «طرف خر خونه» در بین گروه سنی بیست تا سی و پنج سال کاربرد بالایی دارد که با توجه به معنی این اصطلاح «کسی که بسیار درس می‌خواند» دلیل بر تقارن سنی این گروه با سن تحصیل است و کاربرد بالای آن در گفتگوی روزانه گروه سنی پایین تر توجیه پذیر است.

عبارت قالبی «گیر سه پیچ دادن» به معنای «اصرار بسیار کردن» در فرهنگ کنایات سخن با همین معنا وجود دارد. در فرهنگ فارسی عامیانه نجفی (۱۳۷۸) قالبی شده «گیر دادن» وجود دارد اما در فرهنگ لغات عامیانه جمال زاده (۱۳۴۱) تنها واژه «گیر» به معنای «مشکل» دیده می‌شود. این امر خود دلیلی بر جدید الخلق بودن این عبارت است در نتیجه کاربرد آن در میان گروه سنی جوانتر توجیه پذیر است.

## ۲-۶-۴ جنسیت

جنسیت به صفات فیزیکی که بر حسب آن مردان و زنان با یکدیگر تفاوت دارند محدود نمی‌گردد، بلکه به ویژگی‌های اجتماعی رفتار مردانه و زنانه نیز مربوط می‌شود. (پیتن، ۱۹۸۹: ۴) به این ترتیب تفاوت بین دو جنسیت تفاوتی است که در جریان آموزش و تربیت ایجاد شده و ریشه فرهنگی دارد و نه بیولوژیکی. جنسیت<sup>۲</sup> مانند جنس دستوری،<sup>۳</sup> توجه بر این امر دارد که ما با یک پدیده فرهنگی سر و کار داریم تا یک پدیده صرفاً طبیعی (کامرون،

1. Conversational implicative

2. Sexuality

3. Gender





گفتار قالبی «مخلصتم» با امتیاز به کارگیری ۶۹ در میان زنان و ۱۵۴ در مردان بیشترین تفاوت در به کارگیری و استفاده در میان زنان و مردان است. پس از آن بالاترین تفاوت کاربری میان زنان و مردان را ساخت های قالبی چاکرتم/نوکرتم به خود اختصاص داده اند. در کتاب های «آداب معاشرت»<sup>۱</sup> زنان را از کاربرد اصطلاحات عامیانه و کوچه بازاری<sup>۲</sup> نهی می کردند. در کتاب فرهنگ عامیانه آمریکایی<sup>۳</sup> (۱۹۷۵) آمده است: «مردها از اصطلاحات عوامانه و کوچه بازاری استفاده می کنند که مؤدبانه و معیار نیستند» و تأکید می کند که بیشترین کلمات و اصطلاحات عوامانه برای مردان است و توسط آن ها خلق می شود و دلیل خلق آن ها را نیز چنین عنوان می کند: «مردان تمایلی برای سخن گفتن مانند زنان و استفاده از واژگان و اصطلاحات ضعیف ندارند» (گودارد، ۲۰۰۱: ۹۲).

در تأیید این مدعا شاهد آن هستیم که گروه مردان با تحصیلات کارشناسی و بالاتر کمتر از مردان با سطح سواد دیپلم و زیر دیپلم از عبارت قالبی «چاکرتم/نوکرتم» استفاده می کنند و این همان وجود قیود و شرط های رعایت آداب کلامی با توجه به میزان و سطح سواد و تحصیلات افراد اعم از زن یا مرد است.

«بکش و خوشگلم کن» بند قالبی شده ای است که با اختلاف ۳۶ امتیاز در میان زنان بسامد کاربردی بالایی دارد. از نظر پینتن (۱۹۸۹: ۷۰-۶۷) یکی از تکنیک های دستوری که در زبانها برای نشان دادن جنسیت به کار می رود استفاده از صفات است. برای مثال در زبان انگلیسی صفات «pretty»، «charming» بیشتر برای زنان مورد استفاده قرار می گیرد و در مقابل صفاتی چون «strong»، «tough» برای مردان به کار برده می شود. این سخن در مورد زبان فارسی نیز صادق است. صفاتی چون «زیبا» و «خوشگل» بیشتر برای زنان به کار می رود. وجود این صفت در ساخت قالبی «بکش و خوشگلم کن» دلیلی برای گستردگی دامنه کاربرد آن و گفتگو در میان زنان است. هرچند به این نکته نیز توجه داریم که بند مورد بررسی یک

---

1. Etiquette

2. slang

3. American slang dictionary

بند قالبی شده است و ویژگی این گونه ساخت ها وجود ترتیب نحوی و معنایی ثابت و منضبط است و شاید همین امر سبب شده است که در رده سوم با اختلاف امتیاز ۳۶ در میان گفتارهای قالبی با بیشتریت تفاوت به کار گیری میان زنان و مردان قرار بگیرد.

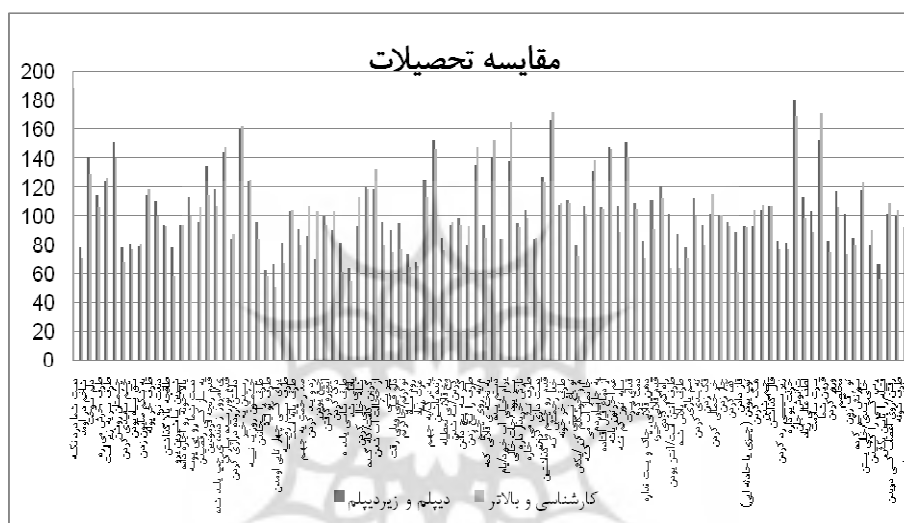
«چشم‌تون روز بد نبینه»، «امروز از دنده چپ بلند شده‌ای»، با اختلاف امتیاز ۳۱ و ۲۶ بعد از ساخت‌های قالبی بالا در مقایسه میان زنان و مردان قرار می‌گیرند. علت بالا بودن بسامد کاربردی این گفتارهای قالبی شده در میان زنان را باید در تئوری اصلی قطبی کردن نظریه جنس و زبان جستجو کرد. این نظریه متأثر از دو رویکرد است: اولی، رویکرد قدرت است که زبان زنان را پیامد جایگاه کم قدرت آن‌ها در مقایسه با مردان در جامعه می‌داند و دومین رویکرد، فرهنگی است که گفتار زن و مرد را تنظیم و تعادلی برای مجموعه‌ای از ارزش‌های فرهنگی می‌داند. (ویترال، ۲۰۰۲: ۵۵؛ لیکاف، ۱۹۷۳: ۴۷) معتقد است که زنان به گونه‌ای اجتماعی می‌شوند که از مختصه‌های زبان شناختی که متضمن احتمال، احترام، تسلیم و ضعف قدرتی است، استفاده کنند. زیرا زنان جایگاه اجتماعی ضعیف و حاشیه‌ای دارند. در نتیجه شیوه‌ای که انتظار می‌رود زنان صحبت کنند انعکاس مستقیمی از جایگاه دوم (وابسته) زن در جامعه باشد.

استفاده از گفتار قالبی «امروز از دنده چپ بلند شده‌ای؟!»، به معنای "امروز رفتار خوب و معقولی نداری"، اگر به صورت مستقیم و صریح بیان شوند دارای معنای تند و معترضانه می‌باشد و گوینده با استفاده از این ساخت قالبی تلاش در حفظ وجهه سلبی مشارک در گفتگو و بیان غیر مستقیم منظور و مفهوم مورد نظر خود به منظور رعایت احترام در گفتگو را دارد.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اگرچه تفاوت‌هایی در گستره کاربردی بعضی از صد گفتار قالبی شده مورد بررسی این تحقیق وجود دارد، اما این اختلاف و تفاوت آن چنان مشهود و بارز نیست نمودار (۲-۴).

## ۳-۶-۴ تحصیلات

آخرین عامل معرفی شده مؤثر در گزینش و کاربرد گفتارهای قالبی شده، میزان تحصیلات افراد بوده است. پرسش شونده‌ها به دو گروه تحصیلی زیر دیپلم و دیپلم، کارشناسی و بالاتر تقسیم شدند و مورد پرسش قرار گرفتند و نتایج داده‌ها در نمودار زیر ارائه گردیده است.



نمودار (۳-۴) مقایسه کاربرد ساخت‌های قالبی شده بر اساس میزان تحصیلات پرسش شونده‌گان

هرچند تفاوت و اختلاف مشاهده شده در نمودار (۳-۴) که میزان به کارگیری این دو گروه را از ساخت‌های مورد بررسی نشان می‌دهد، در بسیاری از این ساخت‌ها ناچیز و اندک هستند، اما مواردی نیز مشاهده می‌شود که اختلاف ۲۱ تا ۳۸ امتیازی وجود دارد که قابل بررسی و تحلیل است. بیشترین اختلاف امتیاز را در گفتار قالبی شده «طرف آنتن است» با امتیاز استفاده ۶۴ در گروه تحصیلی دیپلم و کمتر و امتیاز ۱۰۲ در گروه تحصیلی کارشناسی و بالاتر است که می‌توان در نمودار (۳-۴) مشاهده کرد. این عبارت که یک ساخت استعاره‌ای از مفهوم «آنتن» به معنای گیرنده و فرستنده سیگنال هاست و بست و جانشینی معنایی آن برای انسان به معنای کسی که اخبار و اطلاعات را دریافت و تکثیر و منتشر می‌کند-خبرچین- می

باشد. این عبارت دارای آن چنان ساخت معنایی است که غالب به کارگیرندگان آن می بایست با مفهوم و نوع کار و استفاده ابزاری به نام «آنتن» مطلع باشند که این آگاهی غالباً در افرادی با سطوح تحصیلی بالاتر از دیپلم حاصل می شود، در نتیجه استفاده بیشتر از آن در گروه تحصیلی کارشناسی و بالاتر قابل توجه است. زیرا میزان تحصیلات با میزان نوگرایی فرد رابطه دارد. افزایش تحصیلات، فرد را در ارتباط با جهان جدید، کشفیات، اختراعات، نوآوری‌ها، اخبار و اطلاعات و نگرش های جدید قرار می دهد. (روزی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۳) شایان ذکر است که این گروه افراد از این ساخت در موقعیت های دوستانه بیشتر استفاده می کنند.

«جیغ بودن» رتبه دوم در اختلاف کاربردی در میان افراد با تحصیلات کارشناسی و بالاتر و به ویژه در میان زنان با همین تحصیلات را داراست. این عبارت اسمی که یک مفهوم استعاری از واژه «جیغ»، به معنای «صدای زیر و بلند از ته حنجره» که معمولاً به دلیل زیر بودن فیزیک صوت برای زنان به کار می رود و رسایی بالاتر و بیشتری دارد به کار می برند، است و به معنای «بیش از حد بارز بودن و نمایان بودن چیزی» است. عبارات قالبی شده «فاز دادن»، «تو رگ زدن» از جمله ساخت هایی است که با اختلاف امتیاز ۲۸ در میان افراد با تحصیلات دیپلم و کمتر در مقایسه با افراد با تحصیلات کارشناسی و بالاتر رتبه سوم و چهارم اختلاف میان این دو گروه تحصیلی را داراست. همانطور که از معنای آن ها بر می آید واضح این ساخت ها را باید افراد مبتلا به اعتیاد به یکی از مواد اعتیاد آور دانست. «فاز دادن» به معنی «القاء و بخشیدن احساس خوب» و «تو رگ زدن» به عمل تزریق اطلاق می شود و به صورت قالبی شده به معنای «خوردن» است واز آنجا که این قشر از جامعه دارای شأن و مرتبه بالای اجتماعی نیستند کاربرد عبارت مرسوم آن ها نیز در میان افراد تحصیل کرده و دارای شأن مناسب و قابل ملاحظه اجتماعی بسیار کمتر از گروه افراد با تحصیلات کمتر است.

از دیگر عبارات قالبی شده پر بسامد در میان گروه افراد با تحصیلات دیپلم و کمتر می توان به «طرف پلاس شده» و «طرف شاسی بلنده» اشاره کرد که به ترتیب دارای اختلاف امتیاز ۲۴ و ۲۱ در مقایسه با گروه دیگر هستند. شایان ذکر است که از میان کاربردهای این دو ساخت،

زنان به نسبت مردان کمتر از این دو ساخت بهره می‌گیرند. عبارت قالبی شده «طرف شاسی بلنده» بسط معنایی اصطلاح «شاسی بلند» که برای اتومبیل به کار می‌رود به انسان است. شاسی به معنای «بدنه اصلی اتومبیل که سایر اجزا روی آن نصب می‌شوند» و در مورد اتومبیل به کار می‌رود و ساخت قالبی «طرف شاسی بلنده» بسط معنایی این مفهوم برای انسان است. این عبارت بیشتر در میان گروه تحصیلی دیپلم و کمتر به کار می‌رود و جالبتر آن که در میان مردان بیشتر از زنان کاربرد دارد که در وصف جنس زن و البته در موقعیت‌های دوستانه به کار می‌برند.

#### ۵- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این تحقیق انواع پاره‌گفت‌های قالبی شده را در نوع یا قالب ضرب‌المثل، اصطلاح و عبارات مقدماتی که در زبان فارسی ظاهر می‌شوند، می‌داند. به نظر می‌رسد نمی‌توان دربارهٔ تاثیر عوامل جامعه‌شناسی زبان در کاربرد ساخت‌های قالبی شده حکم کلی نمود، بلکه باید آنها را به زیر گروه‌هایی تقسیم کرد که در کاربرد برخی از آنها عوامل سه‌گانه سن، جنس و تحصیلات تاثیر زیادی دارند؛ مانند کاربرد بالای عبارات قالبی شده "توپ بودن"، "طرف پایه اس" در بین گروه سنی ۲۰-۳۵ سال، "چاکرتم"، "نوکرتم" در بین مردان، "آتن بودن" در بین گروه با تحصیلات بالاتر و "فاز دادن" در بین افراد با تحصیلات کمتر، و در برخی از آنها تاثیر ندارند مانند "شاخ در آوردن"، "به روی چشم" در هر دو گروه سنی، "طرف سبب زمینیه"، "چشم‌تون روشن" در بین مردان و زنان و "روده درازی کردن"، "طرف تنش می‌خاره" در بین دو گروه تحصیلی، و در برخی دیگر تا حدودی تاثیر دارند؛ مانند عبارات مقدماتی "شانه خالی کردن"، "حرفت بو داره" در دو گروه سنی، "طرف خرپوله"، "گیر سه پیچ دادن" در میان مردان و زنان و "به شکم صابون زدن"، "جار زدن" در دو گروه تحصیلی مورد بررسی است.

## کتابنامه

- انوری، حسن. (۱۳۸۴). *فرهنگ امثال سخن*. تهران: انتشارات سخن.
- (۱۳۸۵). *فرهنگ فشرده سخن*. تهران: انتشارات سخن.
- (۱۳۸۳). *فرهنگ کنایات سخن*. تهران: انتشارات سخن.
- باغبینی پور، مجید. (۱۳۷۹). "گفتار قالبی و کاربرد خلاقانه آن". *مجله زبانشناسی*. سال پانزدهم. پاییز و زمستان. صص ۵۷-۴۵.
- جمالزاده، محمدعلی. (۱۳۸۲). *فرهنگ لغات عامیانه*. تهران: انتشارات سخن.
- حق شناس، ع. م سامعی، ح، انتخابی ن. (۱۳۸۳). *فرهنگ معاصر هزاره*. تهران: فرهنگ معاصر.
- روزی بیگدلی، زهرا. (۱۳۸۷). "بررسی جامعه شناختی الگوهای تفکر مدرن زنان"، *نشریه جامعه شناسی ایران*, <http://souologgofitan.com>
- معین، محمد. (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: انتشارات نیلوفر.
- ورینتکوف، الکساندر. (۱۳۸۰). "برخی ساخت های نحوی قالبی شده در زبان فارسی". *ترجمه محسن شجاعی. مجله زبان شناسی*. سال شانزدهم. شماره اول. بهار و تابستان. صص ۸۲-۷۷.
- Cameron, D. Kulick, D. (2004). *Language and Sexuality*. Cambridge press. UK.
- Crystal, D. (1991). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Blackwell. UK.
- Goddard, A. Patterson, L. (2001). *Language and Gender*. Routledge, U. S. A.
- Holmes, J. (1999). *Women, Men and Politeness*. Longman. UK.
- Hornby, A. S. (2006). *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English*. Oxford University Press. UK.
- Kramarae, C. (1981). *Women and Men Speaking*. Newberry house. UK.
- Laykaff, R. (1973). "The Logic of Politeness". In: Corum, C. , et al. , *Papers forms the Ninth Regional Chicago Linguistics Society*. Chicago Linguistics Society, Chicago, IL, pp. 292-305
- Payton, C. (1989). *Language and Gender; Making the Difference*. Oxford Press. UK.
- Weatherall, A. (2002). *Gender, Language and Discourse*. Roulledge. UK.
- Webster, M. (2003). *Collegiate Dictionary*. Spring field. USA.